



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The ۱۵ rd.

Year/NO: ۱ Spring ۲۰۲۲

خيار غبن در معاملات الكترونيك

خليل خدری^۱ خيراله رضاني^۲ منصور عطاشنه^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۶

چکیده

پژوهش حاضر با عنایت به عدم تفاوت ماهوی معاملات سنتی و الکترونیکی و تنها بهره‌گیری از ابزار خاص در معاملات الکترونیکی، به روش تنقیح مناط تشریح خیار غبن در پرهیز از الزام ضرر بر یکی از طرفین با دفع ضرر ناشی از تفاوت قیمت فاحش، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به توصیف جایگاه خیار غبن در این نوع از معاملات پرداخته است که در نتیجه با جاری دانستن این خیار در معاملات الکترونیکی به برخی از احکام آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: خیار، غبن، بیع، الکترونیکی

khedri.khalil.۳۰۹@gmail.com

ramezani@iau.com

matash۱۳۳۸@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی.

مقدمه

معاوضه کالا به کالا از نخستين روزهاى اجتماعى شدن بشر با هدف تسهيل در فراهم نمودن اقلام مورد نياز و برطرف نمودن احتياجات، با دورى از خوداشتغالى انسان در تمام نيازهايش ابداع شد و با گذر ايام، اشكال مختلفى به خود گرفت تا جايى كه پس از قرون مختلف با تفاوتى شگرف همراه بوده است.

معاملات پس از مدتى با واسطه قرار دادن فلزات گوناگون از آهن تا طلا و نقره به عنوان ثمن و پس از آن با واسطه قرار دادن كاغذ و كارت هاى اعتبارى و اكنون نيز با پول الكترونيك و رد و بدل اعتبارات در حساب هاى بانكى صورت مى گيرد.

در مثنى نيز بر خلاف معاملات اوليه، و لزوم رؤيت مستقيم کالا با توجه به حضور مبيع در برابر خريدار، امروزه به توصيف آن و يا در اختيار قرار دادن تصاويرى از آن اكتفا نموده و اقدام به معامله مى كند. در چنين حالتى بحث از غبن (زيانديدن در خريد و فروش) نيز بيش از گذشته به ميان آمد و انسان براى رهايى از اين دام مجبور به تقويت اختيارات به هم زدن معامله از جمله خيار غبن شد چرا كه در معاملات الكترونيك سخن از غبن بيشتر از پيش نمود پيدا كرد.

آنچه قابل توجه است اينكه، آسائش طلبى انسان سبب شد كه دست از معاملات سنتى كشيده و رو به بازارهاى مجازى و معاملات در اين فضا بياورد تا جايى كه برخى از فعاليت هاى اقتصادى بدون استفاده از فضاى مجازى غيرممکن باشد.

معاملاتى كه در فضاى مجازى و در دنياى الكترونيك انجام مى گيرد مى تواند محل ثبوت خيار غبن باشد و تنها با فرض غير واقعى بودن فضاى معامله نمى توان تن به ضرر ناشى از آن داد و از رضائتى كه شرط صحت معاملات است کوتاه آمد.

عقلاء هر نوع بيعى را كه با فريب طرف ديگر معامله از سوى طرف ديگر صورت مى گيرد مذموم دانسته و ادامه آن و ترتب آثار بيع بر معامله غبنى را بدون هيچ راه فرار، تحكّم دانسته و آن را محكوم مى كنند.

تعريف خيار غبن

خيار^۱ در لغت، در فضاى مصدرى به معناى اختيار كردن و برگزیدن (فيومى، بى تا، ج ۲، ص ۱۸۵) و تحت عنوان اسم مصدرى به معناى اختيار است. (جزرى، بى تا، ج ۲، ص ۹۱) به اين معنا كه با گفتن جمله "لك الخيار" اختيار يكي از اطراف معامله از پدش يا رد معامله به ديگرى تفويض شده است. در واقع، خيار ملكيت امضاء عقد و يا فسخ آن است كه به دو صورت فعلى يا قولى انجام مى گيرد. حكمت خيار در معاملات ايجاد مجال و مدت تفكر و انديشيدن براى متعاقد است تا در اين مدت آنچه كه برايش خير است را انتخاب نمايد^۲ (مغنيه، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۱۴۷). به عبارت ديگر، خيار عبارت است از ترجيح يكي از دو طرفى كه آن را بهتر و نيكوتر براى خود پندارد، اگر چه اين برترى از نظر وى با واقع تطابق نداشته باشد و تنها ذهنيّت وى بوده باشد (اصفهانى، شيخ الشريعه، ۱۳۹۸ ق، ص ۱۸). در اين صورت، ضرر گريزى و منفعت طلبى انسان هم در تشريع خيار و هم استفاده از آن در معاملات كاملاً مشهود است.

۱. Choice

۲. إذا قلت لأخر: لك الخيار فان معناه اختر لنفسك ما تحب، وهذا المعنى هو الأصل لقول الفقهاء: ان الخيار ملك إمضاء العقد، و فسخه بالقول أو بالفعل. و الحكمة من الخيار افساح المجال للمتعاقد ليتروى و يتدبر مدة الخيار، و يفعل ما يراه خيرا له. فقه الإمام الصادق عليه السلام؛ ج ۳، ص ۱۴۷.

غبن نیز در لغت، مصدر به معنای خدعه کردن و فریب دادن است (جوهری، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۶، ص ۲۱۷۲) و از نظر راغب، غبن، نوعی پنهان کردن در معامله است که باعث متضرر شدن طرف دیگر معامله می‌شود (اصفهانی، ۱۴۱۲ ه ق، ص ۶۰۲). غبن در کتب فقهی به دو قسم فاحش و یسیر تقسیم می‌شود که در درون هر دو معنا، معنای جامعی نهفته است که بر اساس آن، غبن را به نقص در یکی از عوضین تعریف نموده اند (محمود، بی تا، ج ۳، ص ۷). غبن از نظر حقوقی به معنای عدم تعادل مورد معامله و ارزش مقرر است که در فرض ما عدم تعادل میان ثمن و مبیع می‌باشد. (نوین، و خواجه پیری، ۱۳۸۲ ه ش، ص ۱۲۵).

بعد از بررسی اجزاء خیار غبن به صورت تفکیکی، معنای این اصطلاح به صورت ترکیبی بیان می‌گردد. خیار غبن در اصطلاح فقهی به این معناست که اگر فردی که اهل خبره محسوب نمی‌شود و در معامله ای که انجام داده است مغبون شده است و عادتاً نیز این نوع از غبن در آن جاری نمی‌شود توانایی داشته باشد که اگر بخواهد بتواند آن معامله را فسخ نماید (حلی، محقق، ۱۴۰۸ ه ق، ج ۲، ص ۱۶). و در علم حقوق، خیار غبن، اختیار فسخ عقد است که ناشی از حصول غبن در معامله (اعم از بیع و غیره) است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷ ه ش، ص ۲۷۷) و یا به عبارت دیگر، اختیاری است که قانون در اثر عدم تعادل ارزش معاوضه مبیع با ثمن به متضرر داده است که می‌تواند معامله را فسخ یا به همان نحو قبول نماید (امامی، بی تا، ج ۲ ص ۴۹۶).

خیار غبن در معاملات الکترونیک

در کتاب تبصره علامه حلی در ذیل بحث خیار غبن این چنین آمده است که فروختن به کمتر از قیمت المثل و یا خریدن بیشتر از قیمت المثل است در حالیکه مغبون (مغبون، فروشنده باشد یا خریدار) به قیمت المثل آگاه نبوده است و این تفاوت قیمت به اندازه ای بوده است که مردم در آن مسامحه نمی‌کنند که در اینصورت مغبون می‌تواند معامله را فسخ کند (حلی، علامه، ۱۴۱۱ ه ق، ص ۹۷). البته این غبن برای مشتری و بایع ثابت بوده و اختصاصی به یک طرف ندارد و همچنین در فاحش بودن غبن نیز شکی نیست چرا که به قدر اندک در هر بیعی امکان بالا و پایین شدن ثمن یا مثن نسبت به قیمت واقعی وجود دارد و حال آنکه عرف آن را به هم زنده معامله نمی‌بیند (حلی، علامه، ۱۴۲۰ ه ق، ج ۲، ص ۲۸۸).

بنابراین جهل مغبون در هنگام معامله، یکی از شرایط ثبوت خیار غبن است. این شرط در معاملات الکترونیک نیز صادق است. زیرا چنانچه در اینگونه از معاملات نیز، یکی از طرفین با علم به بالا بودن یا پایین بودن ثمن یا مثن، اقدام به معامله نماید، گویا به مضمون معامله رضایت داده است. از این رو ثبوت خیار غبن در معاملات الکترونیک همانند معاملات در فضای واقعی است که ثبوت خیار در آن منوط به تحقق دو شرط است "جهل مغبون به قیمت واقعی در زمان عقد" و دیگری "کاهش یا افزایش قیمت فراتر از مقدار مسامحه عرفی در مثل آن" است. در این صورت، با علم مغبون و یا تفاوت ناچیز در قیمت از نظر عرف، خیار غبن ثابت نمی‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲۳، ص ۴۲ و ۴۳. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ ه ق، ج ۳، ص ۵۵۴). چرا که تفاوت اندک قیمت کالا در بازار واحد نیز، امری معمول بوده و تا آن حد که انسان را بر ابطال معامله برانگیزاند نیست.

لذا در ماده ۴۱۶ قانون مدنی تعبیر از غبن فاحش به میان آمده است و تنها در این صورت حکم به ثبوت خیار غبن نموده اند. قانونگذار در ماده ۴۱۷ قانون مدنی فاحش بودن غبن را به غیرقابل مسامحه بودن آن از نظر عرف تعبیر نموده است.

أدله خيار غبن

در مقام بيان ادله خيار غبن به چند دليل تمسك جسته اند. (حلى، ۱۴۱۴ ه ق، ج ۱۱، ص ۶۸؛ نجفى، صاحب جواهر، محمدحسن، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲۳، ص ۴۱).^۱ كه اولين دليل آن را مى توان قاعده ضرار عنوان نمود، كه متحصل از روايات مى باشد (طوسى، ۱۴۰۷ ه ق، ج ۳، ص ۴۴۰).^۲ عدم تراضى از دلايل ديگرى است كه ثبوت خيار غبن وابسته به آن است كه از آيه شريفه ۲۹ سوره نساء استفاده شده است. يكي ديگر از ادله اثبات كننده خيار غبن، روايت تلقى الركبان (مغربى، ۱۳۸۵ ه ق، ج ۲، ص ۳۱) بوده كه از لسان نبى اكرم ﷺ نقل شده است.

عدم اختصاص خيار غبن به بيع

به اين دليل كه ادله اثبات كننده خيار غبن، مطلق است و شامل هر معامله اى مى شود لذا هر جا كه عنوان ضرر يا عدم تراضى يا غبن فاحش وجود داشته باشد خيار غبن جارى و سارى است (نجفى، صاحب الجواهر، محمدحسن، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲۳، ص ۶۵) و به همين دليل، ماده ۴۵۶ قانون مدنى مقرر مى دارد كه تمام انواع خيار در جميع معاملات لازمه ممكن است موجود باشد مگر خيار مجلس و حيوان و تأخير ثمن كه مخصوص بيع است.

خيار غبن در بيع الكترونيك

از نظر عقلاء تغيبين ديگران نه تنها مذموم است بلكه برگرداندن اموال از دست رفته توسط طرف ديگر معامله را به فرد مغبون امرى لازم مى دانند. به بيان ديگر نه تنها آن را محكوم مى كنند و غبن ديگران را مذموم مى دانند بلكه برگرداندن اموالى كه با غبن از دست مشتري يا بايع رفته است را نوعى اجراى عدالت و پرهيز از ظلم مى دانند. بر اين اساس شكى در ثبوت خيار غبن در معاملات الكترونيكى نيست و در تمام معاملاتي كه احتمال ضرر وجود داشته باشد خيار غبن نيز امكان حضور دارد. بر اين فرض اگر معامله اى كه در فضاي مجازى و بر اساس قيمت و مبيع معين فروخته شده باشد و پس از آن علم به غبن فاحش ايجاد شود معامله را در بردارنده خيار غبن خواهد كرد و صرف عدم حضور طرفين معامله در مكان واحد و امثال آن نمى تواند خيار را دفع نمايد و از طرفى در ماده ۴۵۶ قانون مدنى جميع معاملات نيز اطلاق داشته و تمام معاملات سنتى و مجازى را در بر مى گيرد.

۱. الغبن سبب ثبوت الخ يار للمغبون عند علمائنا و به قال مالك و أحمد، لقوله (عليه السلام): «لا ضرر و لا ضرار فى الإسلام» و لقوله تعالى إلاً أن تكون تجارة عن تراضٍ منكم و معلوم أن المغبون لو عرف الحال لم يرض. و لأن النبي (صلى الله عليه و آله) أثبت الخيار فى تلقى الركبان، و إنما أثبتة للغبن.

۲. قول النبي ﷺ: «لا ضرر و لا ضرار فى الإسلام».

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ.

۴. وَ عَنْهُ ﷺ أَنَّهُ نَهَى عَنْ تَلْقَى الرُّكْبَانَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ص هُوَ أَنْ تَلْقَى الرُّكْبَانَ لِتَشْتَرِيَ السَّلْعَ مِنْهُمْ خَارِجاً مِنَ الْأَمْصَارِ لِمَا يُخْشَى فِي ذَلِكَ عَلَى الْبَائِعِ مِنَ الْغَبْنِ وَ يُقَطَّعُ بِالْحَاضِرِينَ فِي الْمِصْرِ عَنِ الشَّرَاءِ إِذَا خَرَجَ مَنْ يَخْرُجُ لِتَلْقَى السَّلْعَ قَبْلَ وُصُولِهَا إِلَيْهِمْ.

۵. و أما الغبن فثبوته فى سائر عقود المعاوضة بناء على أن مدرکه حديث الضرار متجه.

همانگونه که بیان شد، خیار غبن را نمی توان همچون برخی از خيارات مختص به بیع دانست بلکه هر نوع معامله را در بر می گیرد و این همان فلسفه حدوث خیار غبن است که برای دفع ضرر ایجاد شده است و همچنین بقاء خیار غبن مادامی است که در مبیع تصرفی از سوی خریدار مغبون و یا در ثمن توسط فروشنده مغبون صورت نگرفته باشد، چرا که در غیر این صورت می توان قائل به لزوم بیع شد و آن را برطرف کننده خیار عنوان نمود.

یکی از مسائل مورد نیاز به توضیح این است که بسیاری از معاملات الکترونیک به روش معاطات انجام می گیرد و معاطات، مبادله مال بدون اجراء عقد است (مصطفوی، ۱۴۲۳ ه ق، ص ۲۵).^۱ لذا لازم به ذکر است که در معاطات اگر تنها اباحه قصد شده باشد، قطعاً این نوع از معاملات نمی تواند در بردارنده خیار بوده باشد چرا که لزومی در کار نیست تا برای خلاصی از الزام پذیرش ضرر در آن نیاز به خیار بوده باشد. در این صورت هر یک از طرفین به راحتی می تواند معامله را فسخ نماید، لذا نیازی به ثبوت خیار غبن در آن نیست. البته اگر طرفین در یک معامله قصد تملیک داشته باشند، مفید ملکیت جایز خواهد بود و برخی از فقهاء این نوع از معاملات را مانند بیع لازم دانسته و تنها آن را بدون لحاظ صیغه می بینند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۷ ش، جلسه ۱۴/۰۸/۱۳۸۷). فقهاء در اینکه ماهیت معاطات به قصد تملیک چیست و اینکه آیا ماهیت بیع دارد تا خیار برای آن ثابت شود و یا اینکه ماهیت بیع نداشته باشد که در این صورت برای آن خیار لحاظ نشود، قائل به تفصیل هستند. (ایروانی، ۱۴۰۶ ه ق، ج ۱، ص ۸۲ و ۸۳). لکن آنچه مورد بحث است اینکه اگر قصد اباحه شده باشد و نه قصد بیع نتیجه چیست؟ آیا باز هم نیاز به ثبوت خیار و استفاده از آن هست و یا لزوم پذیرش معامله نیست که برای دفع ضرر از آن استفاده کرد؟ پاسخ منفی است.

دلیل عدم ثبوت خیار برای معاطات نیز روشن است و آن اینکه در معاطات چه در صورت اباحه و یا تملیک جائزه، هیچگونه لزومی در کار نیست تا خیار برای رفع آن تشریح شود. و حتی می توان ادعا نمود که ادله ثابت کننده خیار منصرف به معاملاتی است که قید لزوم را در خود جای داده اند.^۲

یکی از مسائل مهم در رابطه با خیار غبن در بیع الکترونیک، لحاظ تفاوت قیمت نسبت به بازارهای واقعی یا بازارهای مجازی است. به این شکل که اگر کالای خریداری شده در بیع الکترونیک با کالاهای مشابه در بازار مجازی فرق چندانی ندارد و البته با کالای مشابه در بازار واقعی تفاوت قیمت بسیار داشته باشد، آیا باز هم خیار غبن ثابت خواهد بود؟

ظاهر ماده قانونی در این خصوص اطلاق داشته و این مورد را نیز شامل خواهد شد چرا که در ماده ۴۱۷ سخن از فاحش بودن غبن، در خصوص آن چیزی است که از نظر عرف غیرقابل مسامحه است. و عرف نیز تفاوت قیمتی که باعث ضرر می شود را چه در بازار واقعی باشد یا مجازی، نمی پذیرد. لکن از جهت دیگر اینکه بعضی اوقات بین این دو بازار تفاوت های فاحشی وجود دارد که از نظر عرف پذیرفته شده است به این شکل که گاهی به علت وجود مسائلی از جمله عدم امکان فرار مالیاتی و یا عدم پرداخت اجاره مغازه و مانند آن یک کالا در بازار مجازی به مراتب بالاتر و یا پایینتر از قیمت آن در بازار واقعی است که این مسأله با فرض یا اطلاق پیشین سازگاری ندارد. لکن آنچه مورد توجه قرار می گیرد اینکه در هر معامله ای هر دو فرد به دنبال سود و البته تسهیل در معاوضه کالای خود هستند و این مسأله با تحمل ضرر فاحش در یکجا به راحتی جمع نمی شود زیرا قیودی

۱. إذا تحققت المبادلة المالية بدون إجراء العقد سميت بالمعاطة.

۲. در اینجا دلیل انصراف، کثرت وجود است و نه کثرت استعمال و کثرت وجود نمی تواند دلیل بر انصراف باشد، بلکه انصراف صحیح آنجاست که خیار به گونه ای در ملک لازم استعمال شود که در صورت استعمال در ملک غیر لازم نیازمند به قرینه باشد، حال آنکه چنین مطلبی در اینجا وجود ندارد.

که ذکر شد در قیمت کالا تاثیر می‌گذارد و عرف با ملاحظه این قیود، قیمت آن را می‌پذیرد. لذا نمی‌توان این سخن را دلیل بر هم خوردن خيار غبن دانست و البته مواردی از قبیل تحمل ضرر فاحش در این خصوص را نمی‌توان حمل بر عرفی خاص در بیع خاص مانند اصل پذیرش ضرر در بیع مجازی نمود.

البته سخن دیگر در این خصوص اینکه با توجه به جهانی بودن بازار مجازی و در بر گرفتن تمام بازارهای جهانی آیا اگر قیمت کالا در کشور یکی از طرفین معامله به اندازه ای باشد و در دیگر کشور متعلق به متبایعین، قیمتی دیگر داشت، آیا باز هم می‌توان از خيار غبن استفاده کرد؟ به عنوان مثال مالیات و عوارض گمرک در یک کشور ممکن است سبب گرانی بیش از حد یک کالا نسبت به کشور دیگر شود. حال اگر خریدار کالایی را از همچون کشوری تهیه نموده باشد حال آنکه همین کالا در دیگر کشور ارزانی فاحشی دارا باشد آیا می‌تواند این معامله را به هم بزند؟ اینکه در بازار واقعی کشور خریدار و فروشنده قیمت ها بسیار متفاوت و مابه التفاوت فاحش باشد یا وجود سوبسیت و مانند آن در یک کشور و یا فرار مالیاتی و یا پرداخت عوارض گمرک و مانند آن و بسیاری از مؤلفه‌های دیگر از جمله هزینه های ناشی از نقل و انتقالات مانند پست، تیباکس و غیره نمی‌تواند سبب غبن شود به این معنا که شخص با خرید اینترنتی کالا از یک کشور بدون توجه به قوانین مرتبط با بازار که توانایی بالا بردن یا پایین آوردن قیمت کالا را دارد نمی‌تواند ادعای ضرر ناشی از غبن نماید بلکه اگر ضرری نیز متوجه وی شده از باب عدم آشنایی با قوانین بین المللی یا قوانین اقتصادی کشور طرف معامله است و البته جهل به قانون نیز موجب برداشته شدن تکلیف نخواهد بود. این مطلب در صورتی است که قانونگذار بین الملل خيار غبن را پذیرفته باشد قوانین بین المللی نیز از آن حمایت نمایند و الا حتی در صورت ثبوت خيار در این نوع از معاملات نمی‌توان آن را اعمال نمود.

قیمت مورد نظر در لحاظ قیمت و مابه التفاوت فاحش، در زمان عقد محسوب می‌شود و به قیمت بعد از آن یا پیش از آن توجه نمی‌شود (خمینی، ۱۴۱۱ ه ق، ج ۲، ص ۳۹۹)^۱. برای مثال در صورتی که ثبت سفارش از یک کالا در کشوری دور انجام شده باشد و عقد در تاریخی خاص انجام شده باشد، حال آنکه به وقت رسیدن کالا به دست شخص چند مدتی از آن گذشته باشد به شکلی که فرق فاحش در قیمت پدید آمده باشد خيار غبن ایجاد نمی‌شود.

یکی دیگر از احکام خيار غبن عدم تاثیر پرداخت مابه التفاوت در اسقاط خيار است، به این معنا که شخص مقابل بیش از قیمت تعیین شده یا کمتر از آن حق مطالبه مبلغ ندارد و البته با پرداخت آن نیز نمی‌تواند دست از خيار بکشد و انصراف از فسخ تنها باید به دلیل رضایت به همان قیمت قبلی بوده باشد (کابلی، ۱۴۲۶ ه ق، مسأله ۱۴۳۲، ص ۳۳۶)^۲.

با فرض ثبوت خيار غبن در بیع الكترونيك هر آنچه در خصوص احکام تصرف (کابلی، ۱۴۲۶ ه ق، مسأله ۱۴۳۲، ص ۳۳۶ و ۳۳۷) یا تلف و زیادی قیمت یا نقصان آن که در بیع سنتی جاری است در معاملات الكترونيك نیز جاری و ساری است.

۱. معیار در غبن، قیمت زمان عقد است. پس اگر قیمت بعد از عقد، زیاد شود، خيار ساقط نمی‌شود اگر چه قبل از علم مغبون به نقصان قیمت وقت عقد باشد؛ و اگر بعد از عقد کم شدن باشد خيار ثابت نیست.

۲. مغبون حق ندارد ما به التفاوت قیمت را مطالبه نماید و در مقابل آن معامله را فسخ نکند، و اگر غابن تفاوت قیمت را بدهد قبول آن بر مغبون واجب نیست، بلکه مخیر است بین اینکه معامله را از اصل فسخ کند و یا اینکه در مقابل قیمت تعیین شده، آن را امضاء نماید. البته اگر هر دو بر اسقاط خيار در مقابل مالی مصالحه کنند، صلح صحیح و خيار ساقط است، و دادن عوض مصالحه بر غابن واجب می‌شود.

قید فوریت در خیار غبن

قید فوریت در خیار غبن یکی از مسائل مورد توجه در این مبحث است. بر اساس ماده ۴۲۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی، "خیار غبن بعد از علم به غبن فوری است". فوری بودن نیز در این خیار به معنای فوریت عرفی است و نه فوریت علمی و عقلی که در این صورت فرصتی که به لحاظ عادی از نظر عرفی قابل پذیرش است، هر چند از نظر عقلی غیر قابل غمض عین باشد سبب فروپاشی این خیار نخواهد شد.

همچنین مدت زمان آغاز خیار غبن از زمان علم به غبن است و تا قبل از آن این مدت آغاز نمی شود. بنابراین در مدتی که بعد از خرید کالا و رسیدن کالا به دست مشتری و استفاده ای که سبب رونمایی از غبن باشد، هنوز خیار غبنی ثابت نشده است تا قید فوریت آن را مورد تهدید قرار دهد.

نتيجه گيرى

بنابر آنچه در ادله ثبوت خيار از آيه ۲۹ سوره نساء، حديث لاضرر، روايت تلقى الركبان و اجماع منقول در كتب فقهي بيان شده است، كه اجمالا تمامى آن ادله بر پرهيز از الزام ضرر دلالت دارند، و همچنين با توجه به عدم تفاوت ماهوى معاملات الكترونيك و سنتى و تنها وجود فرق ميان آنها از نظر به كارگيرى ابزار و بعد مسافت، خيار غبن در معاملات الكترونيك ثابت مى باشد. آنچه لازم به ذكر است اينكه اين خيار تنها در معاملتى ثابت است كه قيد لزوم در آن لحاظ شده است كه در معاطات به نحو تملك و بيع صورت مى گيرد. همچنين لحاظ غبن فاحش نسبت به مكان يكي از دو بايع نمى تواند دفع كننده خيار باشد چرا كه فضاي الكترونيك سراسرى و جهاني است و لحاظ قيمت مكان كوچكى از دنيا نمى تواند عرف خلاف قيمت محسوب شود.

پيشنهادات

پيشنهاد مى شود بحث ساير خيارات همچون خيار مجلس و... در باب معاملات الكترونيك مورد تحقيق گيرد. علاقه مندان مى توانند درباره نحوه تملكى بودن و اباحه بودن معاملات الكترونيك و جاىگاه معاطات در آن، پژوهش و تحقيق نمايند.

پيشنهاد مى شود قضاات در پرونده هايى كه مرتبط با معاملات الكترونيك هستند، همچون ساير معاملات، رسيدگى نمايند. پيشنهاد مى شود در تقنين قوانين، جاىگاه معاملات الكترونيك با توجه به عصر ارتباطات، همچون معاملات در فضاي واقعى در نظر گرفته شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

اصفهانى، حسين بن محمد راغب، (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیه.

اصفهانى، فتح الله بن محمد جواد نمازى، (۱۳۹۸ق)، نخبه الأزهار فى أحكام الخیار، چاپ اول، قم - ایران، دار الكتاب.

امامى، سيد حسن، (بى تا)، حقوق مدنى، بی جا، تهران - ایران، انتشارات اسلامیه.

ایروانى، على بن عبد الحسين نجفى، (۱۴۰۶ق)، حاشیه المكاسب، چاپ اول، تهران - ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.

جزرى ابن اثیر، مبارک بن محمد، (بى تا)، النهایه فى غریب الحدیث و الأثر، چاپ اول، قم - ایران، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

جعفرى لنگرودى، محمدجعفر، (۱۳۹۷ش)، ترمینولوژی حقوق، چاپ ۳۰، تهران - ایران، انتشارات گنج دانش.

جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودى، سيد محمود هاشمى، (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ

اول، قم - ایران، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

جوهرى، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ اول، بیروت - لبنان، دار العلم للملایین.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدى، (۱۴۱۱ق)، تبصره المتعلمین فى أحكام الدین، چاپ اول، تهران - ایران، مؤسسه

چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدى، (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام الشرعیه على مذهب الإمامیه (ط - الحدیثه)، چاپ اول،

قم - ایران، مؤسسه امام صادق علیه السلام.

حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدى، (۱۴۱۴ق)، تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)، چاپ اول، قم - ایران، مؤسسه آل البيت

علیهم السلام.

حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فى مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم - ایران، مؤسسه

اسماعیلیان.

خمینی، سيد روح الله موسوى، (۱۴۲۵ق)، تحریر الوسیله - ترجمه مترجم على اسلامى، چاپ بیست و یکم، قم - ایران، دفتر

انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

دزفولى، مرتضى بن محمد امین انصارى، (۱۴۱۱ق)، کتاب المكاسب (ط - القدیمة)، چاپ اول، قم - ایران، منشورات دار الذخائر.

طوسى، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، چاپ اول، قم - ایران، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین

حوزه علمیه قم.

فاضل لنکرانى، محمد جواد، (۱۳۸۷ش)، درس خارج، مبحث جریان خیارات در معاطات قبل از لزوم و بعد از لزوم، مورخه ۱۴

آبان ۱۳۸۷، <http://fazellankarani.com/persian>.

فیومى، احمد بن محمد مقرى، (بى تا)، المصباح المنیر فى غریب الشرح الكبير للرافعى، چاپ اول، قم - ایران، منشورات دار الرضى.

کابلى، محمد اسحاق فیاض، (۱۴۲۶ق)، رساله توضیح المسائل چاپ اول، قم - ایران، انتشارات مجلسى.

محمود، عبد الرحمان، (بى تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، بی نا، بی جا، بی جا.

مصطفوى، سيد محمد كاظم، (۱۴۲۳ق)، فقه المعاملات، چاپ اول، قم - ايران، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مغربى، ابو حنيفه، نعمان بن محمد تمیمی، (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، چاپ دوم، قم - ايران، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

مغنيه، محمد جواد، (۱۴۲۱ق)، فقه الإمام الصادق عليه السلام، چاپ دوم، قم - ايران، مؤسسه انصاریان.

نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، چاپ هفتم، بيروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی.

نوين، پرویز، و خواجه پیری، عباس، (۱۳۸۲ش)، حقوق مدنی ۶، عقود معین (یک)، چاپ دوم، تهران - ايران، کتابخانه گنج دانش.

Ghaban cucumber in electronic transactions

Abstract

Considering the lack of substantive difference between traditional and electronic transactions and using only special tools in electronic transactions, the present research is based on the method of revision of Manat of Khayar Ghoban legislation in avoiding imposing losses on one of the parties by avoiding losses caused by huge price differences, with Using the library method, it has described the position of the Ghoban cucumber in this type of transactions, and as a result, by considering this

key words : option ,evident deception ,contract of sale ,electronics

